

سناریوهایی که سینما سراغش نمی‌رود

بحثنی شد پیرامون داستان‌های مقاومت خاصه با محوریت غزه و اتفاقات دوماه اخیر. پیش از این هم نوشته بودم بر این باورم که ما در داستان نویسی و روایت - چه مکتوب و چه نمایشی - به علت بستن دست نویسندگان و به دلیل ریسک بالای کار، قید بازنمایی اتفاقات منطقه‌ای را زده‌ایم و نسبت به اتفاقات پیرامونی خودمان بسیار کم فیلم تولید می‌کنیم. تعداد فیلم‌هایی که هالیوود پیرامون اشغال عراق و سقوط صدام ساخت بیش از ما بود در حالی که ما در این جنگ، حتی اگر حضور هم نداشته‌یم، نفع سیاسی داشتیم. تعداد فیلم‌هایی که در غرب پیرامون ماجراهای داعش و عراق ساخته شد هم بیش از چیزهایی است که تولید کرده‌ایم. به کیفیت کار هم که اصلا اشاره نمی‌کنم. ما در مورد یمین، بحرین، عراق، اتفاقات چند سال اخیر خاورمیانه و حتی ماجرای فلسطین بسیار کم فیلم و سریال ساخته‌ایم.

تولیدات سیاسی سینما و سریال‌های ما بسیار پایین‌تر از نقش آفرینی ما در ماجراهای منطقه در دهه‌های اخیر است. تعداد پروژه‌های سیاسی - یا حتی غیرسیاسی‌ا ما - بین‌المللی ما در سال، به تعداد انگشتان یک دست هم نمی‌رسد. تعداد داستان‌هایی که در این حوزه تولید کرده‌ایم نیز احتمالا همین است. بخشی از جنگ روایت‌ها که می‌گویند بازنده آن هستیم، همین است. ما هنوز برای دفاع مقدس فیلم می‌سازیم اما از این حوزه فراتر نمی‌رویم. جسارت ساختن فیلمی بین‌المللی پیرامون عراق را نداریم. همین غزه و جنگ دوماه اخیرش که به کشتار ۱۴ هزار انسان ختم شد، خودش می‌تواند سوژه ساخت فیلم‌ها و سریال‌های فراوانی باشد اما احتمالا نه ما چیزی در موردش می‌سازیم نه دیگر کشورهای عرب. اگر بسازیم هم تولید ما کاملا بومی یا منطقه‌ای خواهد بود و راهی به لیگ جهانی نخواهد یافت. اسرائیل و آمریکا قطعا در این حوزه خواهند ساخت. هم فیلم، هم مستند و هم سریال. روایت‌ آنها، روایت غالب رسانه‌ای است، چیزی شبیه به این؛ «مردم خوشبخت، صلح طلب، بی‌گناه و مهربان اسرائیل، مشغول عشق و صلح و موسیقی و دود کردن عود بودند که تروریست‌های فلسطینی از راه رسیدند، صدها کودک را سر بریدند، هزاران نفر را کشتند و هزاران نفر را گروگان گرفتند. بعد هم ارتش اسرائیل درحالی‌که از مظلومیت و نداشتن امکانات درحال رنج بردن بود، وارد جنگ نابرابر شد و توانست در نبردی خونین مردمش را نجات دهد.»

مضمونی که هالیوود روایت می‌کند احتمال قریب به یقین چیزی است شبیه به این. داستان آنها که کشته شدند، داستان آنها که گروگان گرفته شدند، داستان آنها که آزاد شدند، داستان آنها که برای آزادی گروگان‌ها وارد جنگ شدند، حتی داستان آنها که برای مذاکره با کشورهای حامی تروریست‌ها بسیار تلاش کردند. شاید برای خالی نبودن عریضه و بستن دهان منتقدان، کمی صحنه‌های بمباران مواضع غیرنظامیان در غزه هم لابه‌لای فیلم باشد اما ته فیلم همانی است که باید؛ بازگشت گروگان‌ها به تل‌آویو درحالی‌که از دشمنان‌شان شجاعت و ایستادگی می‌یارد، سربازهای اسرائیلی با جسارت و رشادت ایستاده‌اند و باد هم به پرچم آبی سفید اسرائیل می‌وزد. تازه بماند که می‌شود روی فرار گروگان‌ها از غزه و ایستادگی و رشادت‌شان هم فیلم‌ها و افسانه‌ها ساخت. وقتی قبلا چنین کرده‌اند، چرا حالا چنین نکنند؟ داستان این سمت قصه چه می‌شود؟ از این سمت قصه، چه کسی داستانی عربی اسلامی انسانی خواهد نوشت یا خواهد ساخت پیرامون مردمی که ۷۵ سال است خانه‌هایشان اشغال شده، به زور تفنگ و حتی کشته شدن اعضای خانواده، خانه‌هایشان توسط بولدورزها ویران شده تا شهرک‌های یهودی نشین جایش ساخته شود؟

پاسخ این است. احتمالا چیز دندان‌گیری ساخته نشود. الا همان‌ها که در این دهه‌ها ساخته شد. محصولات بومی با دایره و شعاع بومی. اگر چیزی که هالیوود می‌سازد در گستره تفلیکس پخش جهانی می‌یابد، چیزی که ما می‌سازیم حداکثر درون مرزهای سرزمینی ما دیده می‌شود! شاید کمی هم به زور تبلیغات، به چشم چند نفری این‌ور و آن‌ورتر بیاید اما در غیاب پخش کنندگان جهانی، احتمالا هرچه بسازیم، با هر کیفیتی،

با هر داستانی و با هر نگاهی، از شعاع محدوده پخش ما فراتر نرود. وقتی سیستم پخش و تولید جهانی دست طرف مقابل است، صحبت‌های تو راهی به محدوده جغرافیایی و محل نفوذ آنها پیدا نمی‌کند و این یعنی تزلزل در جنگ روایت. نه فقط محتوای جهان‌پسند یا مورد پذیرش دنیا با استانداردها مورد پذیرش و مورد توجه دنیا را نمی‌سازی، طبیعتا نمی‌توانی آن فیلم را به سماع و نظر دنیا برسانی. درحالی‌که محتوای آن سمت، به‌راحتی جهانی و ویرال می‌شود.

مثل همه سیستم‌های دنیا، فقط چیزی در سطح انبوه پخش می‌شود که مورد تایید باشد و اینجا سیستم دست طرف مقابل است پس نسخه‌ای روایت می‌شود که مورد تایید باشد. تجربه جنگ غزه و موفقیت آشکار شبکه الجزیره نشان داد و اثبات کرد که می‌شود در جنگ روایت‌ها کمی تغییر ایجاد کرد اما پیش‌نیاز می‌خواهد که مهم‌ترینش داشتن یک شبکه پخش جهانی است. الجزیره درطول سال‌های فعالیت، اعتماد و همراهی مخاطبان فراوان فرامنطقه‌ای را جلب کرد و نتیجه این شد که وقتی به پخش اخبار از زاویه دید خود پرداخت، موفق شد بازی روایت را ماجراجوی غزه را برنده‌شود. بنابراین برای روایت جهانی گفتن، پلتفرم جهانی هم نیاز است. یا همه این احوال، این ایده‌ها روایت کردن از غزه و آنچه در این دوماه در آن منطقه اشغالی رخ داد، می‌تواند راهگشا باشد.

روایت بیمارستانی / اورژانس غزه

عین تمام سریال‌های بیمارستانی و پزشکی در دنیا، می‌شود صرفا با گزارش کردن اتفاقات روزمره بیمارستان نمونه‌ای مشابه سریال‌های دیگر این حوزه ساخت.

«اورژانس غزه» قطعا می‌تواند سریالی تکان دهنده، بازگوکننده حقیقت و حتی کاملا مستند باشد. بازگو کردن داستان چند ماه اخیر اورژانس بیمارستان‌های این منطقه چه قبل از آغاز عملیات هفتم اکتبر و چه بعدش. طبیعتا محاصره و بمباران گسترده غزه و کشته شدن نزدیک به ۱۴ هزار نفر هیچ‌جا بیشتر از اتاق اورژانس بدون برق، بدون دارو و بدون امکانات بیمارستان‌های غزه به چشم نمی‌آید. در تمام کشورهای دنیا ژانر سریال‌های بیمارستانی یکی از ژانرهای مورد علاقه است و طبیعتا پیوند زدنش با بحران، خاصه بحران واقعی می‌تواند بسیار پرمخاطب باشد. اگر یک بازه زمانی دوماهه یعنی از قبل از آغاز جنگ غزه تا لحظه آتش‌بس موقت را به‌عنوان زمان رخ دادن اتفاقات سریال در نظر بگیریم و اگر روی کادر درمان بیمارارن مختلف مراجعه‌کننده به بیمارستان و روابط آنها با هم بپردازیم، می‌توانیم بهترین و مستندترین تصویر واقعی از غزه را به تصویر بکشیم. غزه‌ای که بین مرگ و زندگی دست و پا می‌زند و قلب تپنده‌ای دارد به نام بیمارستان شفا. یکی از نمونه‌های مورد مطالعه می‌تواند سریال فایو دیز این مموریال یا پنج روز در بیمارستان مموریال باشد که به بررسی بحران طوفان کاترینا در سال ۲۰۰۵ و شرایط بسیار دشوار کادر درمانی بیمارستان مموریال برای پناه دادن به هزاران بیمار و آواره در شرایط اورژانس می‌پردازد. سریال دو ژانر بیمارستان و بحران را با هم تلفیق کرده و طبیعتا بسیار هم دیده شده. با این همه ایده ساخت سریالی درمورد وضعیت بیمارستان‌های غزه در دو ماه اخیر قابل قیاس با هیچ سریال مشابه دیگری نخواهد بود. هرچه می‌خواهید در مورد این جنگ نشان‌دها دهید اینجا جای دارد.

تراژدی المعدنای

یکی دیگر از بزرگ‌ترین تراژدی‌های جنگ غزه حمله موشکی رژیم صهیونیستی به بیمارستان المعدنای است. حمله‌ای که دنیا را در شوک فروبرد. اسرائیل با وجود اعتراف صریح مشاور ناتو‌ها به این حمله‌ماجرا را به گردن حماس انداخت و تاکید کرد که یک موشک منحرف‌شده از سوی حماس به این بیمارستان اصابت کرده. داستان این بیمارستان و روایت آنچه هم در طول جریان جنگ و هم در روز حمله موشکی رخ داد قطعا می‌تواند دستمایه یک سریال یا مینی‌سریال یا فیلم دیگر باشد. قطعا

حملات تمام‌عیار اسرائیلی‌ها به آمبولانس‌ها، مراکز درمانی و حتی ورودی بیمارستان هم می‌تواند بخشی از این دو سریال باشد.

روایت زندان / زندانی شماره ایکس

یکی از بزرگ‌ترین معدن سوژه‌های موجود پیرامون وضعیت امروز مناطق اشغالی بحث زندانبانی است که در زندان‌های اسرائیل نه صدایی دارند و نه دست‌شان به جایی می‌رسد. سال قبل بود که کریم یونس بعد از ۴۰ سال از زندان آزاد شد. او به روایتی قدیمی‌ترین زندانی سیاسی دنیای معاصر است که چهار دهه عمرش را در زندان سپری کرد. داستان زندگی او به‌تنهایی باید دستمایه ده‌ها فیلم و کتاب و تئاتر شود. از سوی دیگر زندگی زندانیانی که بعد از آتش‌بس آزاد شده‌اند نیز کاملا ارزش تبدیل شدن به فیلم را دارد. چه پسر نوجوانی که سال‌ها در زندان بود و وقتی بیرون آمد، جوانی بالغ و رشید شده بود، چه اسراء جعابیص، بانوی معروف زندان‌های رژیم صهیونیستی که بعد از هشت سال آزاد شد و چه دیگر زندانبانی‌ی که در تمام این سال‌ها داستان زندگی‌شان نادیده گرفته شد. می‌شود سریالی ساخت که هر قسمت از آن داستان زندگی یکی از اسیران معروف تاریخ فلسطین باشد. یک سریال آنتولوژی یا دارای قسمت‌های جدا از هم که هر قسمتش به شیوه یک فیلم جداگانه ساخته شده باشد. اطلاعات منظمی از زندانبان آزاد شده دست‌کم در فضای عمومی وجود ندارد و مهم‌ترین بخش این اطلاعات به زبان عربی است ولی هر کشوری چه ایران چه لبنان یا مصر یا دیگر کشورها می‌توانند درمورد زندگی این زندانی‌ها محتوای تصویری درست کنند. اما نکته مهم‌تر خود زندان غزه است. در کنار توجه کردن به زندگی تک‌تک این زندانبان خود زندان نیز می‌تواند داستان جذابی باشد. یک مینی‌سریال بسیار جذاب دیگر می‌تواند مربوط شود به ماجرای فرار شش زندانی فلسطینی از زندانی امنیتی در شمال اسرائیل که یک روز کامل جامعه امنیتی این کشور را تحت تاثیر قرار داد. زندانی‌ها با قاشق تونلی حفر کرده بودند. خود همین داستان برای یک سریال کافی است!

روایت تونل‌ها

بخش مهمی از روایت غزه را تونل‌هایش تشکیل می‌دهند. بی‌توجهی به تونل‌های غزه بی‌توجهی به کل ماجرابی است که آنجا رخ داده. تونل‌ها بخش مهمی از داستان این شهر در محاصره را نشان می‌دهند. بحث جنگ و مقاومت، انتقال تجهیزات و نفرات، حمله کردن به نیروهای مهاجم به شهر و مسیرهای زیرزمینی به نقاط مختلف شهر غیرقابل چشم‌پوشی هستند. اگر قرار است پیرامون غزه داستانی تولید شود ماجرای تونل‌های غزه قطعا باید بخشی از آن باشد. تونل‌هایی که چه در زمان صلح و چه در زمان جنگ بخش بزرگی از بازی غزه را تشکیل می‌دهند. کمی کار اطلاعاتی پیرامون داستان این تونل‌ها می‌تواند به سناریوهای جذابی منجر شود.

داستان قربانیان / روایت خانواده‌هایی که گرفتار بمباران شده‌اند

بزرگ‌ترین تلفات غزه در بمباران‌های پی‌درپی بود. جایی که نیروهای هوایی عملا پخش‌های بزرگی از شهر را شخم‌زدند و توجهی هم به آمار تلفات انسانی نداشتند. بخش عمده قربانیان جنگ غزه، نه نیروی حماس بودند نه در حملات هفتم سپتامبر شرکت کردند و نه گلوله‌ای شلیک کردند یا اسیری در اختیار داشتند. شهروندان بی‌گناهی بودند که زیر بمباران کشته شدند. طبیعتا روایت زندگی در غزه اشغالی چه قبل از عملیات هفتم سپتامبر و چه در زمان جنگ، می‌تواند به راحتی نشان دهد که بر سر مردم این شهر چه آمد. داستان خانواده‌هایی که در غزه زندگی کردند و کشته شدند یا اعضای خود را از دست دادند، روایت تلخی است که می‌تواند بستر ساخت فیلم‌ها یا سریال‌های مختلفی شود. برای تکمیل روایت‌های غزه، زندگی شهروندان عادی شهر نیز مهم است و باید به آن پرداخت. نمی‌شود جان‌های از دست‌رفته را نادیده گرفت.

بمباران گسترده مدارس، بیمارستان‌ها و دیگر اماکن عمومی اثرات جبران‌ناپذیری را به شهروندان غزه وارد کرد. اثراتی که می‌تواند از طریق ساخت فیلم و سریال به نمایش گذاشته شود. هزاران کودک کشته و زخمی شده‌اند و دنیا آماده است تا تصاویر آنها را به راحتی فراموش کند. اگر آثاری ماندگار ساخته شود، حافظه جهان در از یاد بردن این جنایات با تردید مواجه خواهد شد.

روایت خبرنگاران

در هزاره جدید، پرتلفات‌ترین جنگ دنیا برای خبرنگاران مطابق آمارهای رسمی جنگ با غزه بوده. در هیچ‌کدام از جنگ‌های دیگر دنیا، این تعداد خبرنگار با این سرعت کشته نشدند. طبیعتا روایت زندگی و مرگ هر کدام از این نفرات می‌تواند دستمایه ساخت فیلم یا سریال شود. فرض کنید سریالی ساخته شود درمورد زندگی و مرگ این خبرنگاران و هر قسمت به یکی‌شان اختصاص داده شود. شاید حتی بشود مرگ این تعداد خبرنگار را در قالب یک فیلم بسیار تاثیرگذار به نمایش گذاشت. تا لحظه نوشته شدن این مطلب، مرگ ۵۷ خبرنگار تایید شده. بیشترین تعداد خبرنگاران کشته‌شده متعلق به جنگ ویتنام است که یک دهه طول کشید و ۶۹ خبرنگار در آن جان خود را از دست دادند. حساب کنید، در نزدیک دو ماه جنگ در غزه، ۵۷ خبرنگار کشته شده‌اند. معلوم نیست بعد از پایان یافتن آتش‌بس این تعداد چقدر دیگر افزایش پیدا کند.

طبیعتا نمی‌شود خبرنگاران را از روایت‌های این جنگ دور نگه داشت.

روایت الجزیره

الجزیره مهم‌ترین رسانه جنگ غزه بود و گوی سبقت را از همه رسانه‌های جهانی ربود. روایت‌های جاندار الجزیره کمک کرد تا صدای مظلومیت مردم فلسطین به گوش جهانیان برسد. اگر داستان الجزیره و رسالت خبری‌شان در طول دوران جنگ غزه در قالب فیلم و سریال روایت نشود، بخش مهمی از تاریخ این جنگ ناگفته باقی می‌ماند. طبیعتا می‌شود حتی مستند ساخت و الجزیره و کار بزرگش را در این قالب معرفی کرد.

روایت مدافعان شهر

اما بخش دیگری از تاریخ جنگ غزه هم هست. داستان مدافعان شهر، خاصه آنها که مقابل حمله زمینی به غزه ایستادگی کردند. جنگ در غزه فقط مخصوص حماس نبود و چند گروه شبه‌نظامی دیگر هم در این جنگ شرکت داشتند. داستان خود عملیات نظامی هفتم سپتامبر که قطعا از سوی اسرائیلی‌ها به شیوه‌ای که دوست دارند تحریف خواهد شد؛ ضروری است که این عملیات از سوی جبهه مقاومت هم روایت شود. با این همه روایت دفاع از شهر هم باید ساخته شود. همه دفاع از شهر فقط تونل‌ها نبود. ماجراهای دیگری هم هست که می‌شود درموردشان تحقیقی کرد و از آنها تصویر ساخت.

روایت گروگان‌ها

اما آخرین مبحث قصه غزه، قصه گروگان‌هاست؛ گروگان‌هایی که این روزها در حال تبادل شدن با اسرای فلسطینی هستند. داستان گروگان‌ها و نگهداران آنها، باید روایت شود. این اتفاقا بخش نادیده تاریخ جنگ غزه است. سری‌ترین بخش آن اینکه این همه گروگان در شرایطی که غزه در حال شخم خوردن بود چطوری جابه‌جا می‌شدند که هم زنده بمانند و هم توسط جاسوسان اسرائیلی شناسایی نشوند. آنچه خواندید، صرفا ایده‌هایی بود روی روایت غیررسانه‌ای جنگ غزه. چنین نبردی با ۱۵ هزار کشته، نیازمند روایت‌های سینمایی و داستانی است و نباید اجازه داد این مهم در انحصار طرف مقابل بماند. آنها همین حالا نوشتن فیلمنامه‌ها را هم آغاز کرده و پروژه‌ها را سفارش داده‌اند. غفلت جایز نیست.



مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی):

بسیج در کشور یک حقیقت عظیم و درخشنده است.



سازمان بسیج رسانه



مؤسسه پژوهش و توسعه اجتماعی